

بررسی مفهوم عبادت از دیدگاه وهابیت و اهل سنت

سید جابر مهدوی*

حسین قاضی زاده**

چکیده

یکی از مفاهیم کلیدی در مسئله توحید عبادی، ارائه تعریف دقیقی از مفهوم «عبادت» است. وهابیان همان معنای لغوی عبادت را در تعریف اصطلاحی آن لحاظ کرده و عبادت را با تعریفی بسیط، بدین صورت تعریف کرده‌اند: عبادت یعنی نهایتِ خضوع و خشوع و تذلل. سپس آنان با اعتقاد به اینکه مشرکان صدر اسلام در توحید ربوبی موحد بوده ولی به دلیل تعظیم و تکریم و عبادت غیر خدا به شرک آلوده شده‌اند، این طور نتیجه گرفته‌اند که اگر مسلمانی در قالب‌هایی مانند دعا، توسل، استغاثه، طلب شفاعت و ذبح، غیر خدا را بخواند یا به او تعظیم کند، مشرک گردیده و از دایره اسلام خارج شده است. در مقابل، دانشمندان اهل سنت با رد این نظریه، این دیدگاه را نقد کرده و موحد بودن مشرکان صدر اسلام در بحث توحید ربوبی را مردود خوانده‌اند. آنان به دلیل وجود آیات، گزارش‌های تاریخی و همچنین تلازم بین توحید ربوبی و عبودی، هم در توحید عبودی و هم در توحید ربوبی، مشرکان را آلوده به شرک دانسته‌اند.

بزرگان اهل سنت در تعریف عبادت نیز دیدگاه متفاوتی با وهابیت دارند و «عبادت» را ترکیبی از خضوع و خشوع ظاهری در قالب سجده، رکوع و هرگونه تعظیم دیگری، به علاوه اعتقاد قلبی به ربوبیت، خالقیت، رازقیت و دیگر صفات شایسته خداوند بیان کرده‌اند. در مجموع، باید گفت که حقیقت عبادت، عمل ظاهری به همراه اعتقاد به الوهیت و ربوبیت معبود است.

کلیدواژه‌ها: مفهوم عبادت، دیدگاه وهابیت، دیدگاه اهل سنت، مفهوم مرکب.

* دانش پژوه مرکز تخصصی مطالعات تطبیقی مذاهب اسلامی، کارشناسی ارشد. (نویسنده مسئول)

mahdavi1396@gmail.com

** دانش آموخته حوزه علمیه قم، محقق دارالاعلام لمدرسه اهل البیت، دانشجوی دکتری دانشگاه ادیان و مذاهب.

h.ghazizade110@gmail.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۴

مقدمه

یکی از مفاهیمی که در آیات و روایات کاربرد فراوانی دارد، مفهوم «عبادت» است که برخی عالمانِ مذاهبِ اسلامی، به تبیین آن در مباحث توحیدی پرداخته‌اند. دیدگاه‌های متفاوت در تعریف مفهوم عبادت، این مفهوم را به مسئله‌ای چالش‌برانگیز تبدیل کرده است؛ به‌گونه‌ای که عده‌ای به‌خاطر این مسئله، گروهی دیگر از مسلمانان را مشرک به «شُرک اکبر» خطاب می‌کنند و برای جان و مال و ناموس آنها احترامی قائل نیستند.

سؤال‌ی که در اینجا به ذهن می‌رسد این است که با چه معیاری و بر اساس چه قاعده‌ای می‌توان تفسیری از مفهوم عبادت ارائه کرد که مستلزم نتایج خطرناک مذکور باشد؟ اگر در مسئله‌ای، عده‌ی قلیلی از مسلمانان فهم جدیدی غیر از فهم سایر مسلمانان داشته باشند، آیا این امر، مُجَوِّزی برای مشرک دانستن سایر مسلمانان محسوب می‌شود؟

یکی از اهداف این نوشتار که تاکنون به آن پرداخته نشده یا کمتر به آن پرداخته شده است، بررسی تطبیقی مفهوم «عبادت» در دیدگاه وهابیان و دیدگاه اهل سنت است. ما در اینجا به دنبال این هستیم که بگوییم نه تنها شیعه، بلکه فهم دانشمندان اهل سنت نیز در این مسئله، چیزی غیر از فهم وهابیت است و این به معنای بالا بودن درصد اشتباه وهابیان در برداشت آنها از مفهوم عبادت خواهد بود.

واژه‌شناسی و پیشینه تعریف عبادت

همانند سایر لغات، «عبادت» نیز معنایی لغوی و معنایی اصطلاحی دارد که باید دید آیا هر دو به یک معنا برمی‌گردند یا اینکه معنای اصطلاحی آن، چیزی غیر از معنای لغوی آن است. اهل لغت «عبادت» و واژه «عبودیت» را از کلمه «عَبَد» به معنای نهایتِ خضوع و تذلل اخذ کرده‌اند.^۱

درباره معنای اصطلاحی آن نیز، آیه و روایتی وجود ندارد که صراحتاً عبادت را تعریف کرده باشد؛ لکن در این میان، اولین کسی که تعریفی اصطلاحی برای واژه عبادت مطرح کرد و موجب شد معنای لغوی این واژه با معنای اصطلاحی آن منطبق شود، «ابن تیمیه» بود. او عبادتِ اصطلاحی را اسمِ جامعی دانست که به چیزی گفته

۱. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، ص ۵۴۲؛ ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۳؛ زبیدی، محمد بن محمد، تاج العروس، ج ۵، ص ۸۳.

می‌شود که محبوب و مرضی خداوند است. در ادامه، وی تمام دین را داخل در عبادت می‌داند و می‌گوید از آنجا که دین معنای خضوع و تذلل را در بر دارد، بنابراین هرکجا گفته شود «یدین لله»، به معنای «یعبد الله و یطیعه و یخضع له» است.^۱

بعد از ابن تیمیه، افراد دیگری نیز مانند ابن قیم^۲ و یوسف قرضاوی،^۳ که تحت تأثیر افکار او قرار گرفته بودند، همین معنا را پذیرفته و هم کلام با ابن تیمیه برخی افعال مسلمانان را مصداق شرک، و مرتکب آنها را مُشْرک خواندند.

دیدگاه وهابیان درباره عبادت

یکی از فرقه‌هایی که در این مسئله تحت تأثیر افکار ابن تیمیه واقع شده، فرقه وهابیت است. آنان مانند سایر مسلمانان جهان معتقدند که عبادت باید فقط برای خداوند متعال صورت بگیرد؛^۴ چنان‌که خداوند متعال نیز در قرآن، فلسفه ارسال رُسل و خلقت جن و انس را همین معنا معرفی کرده و فرموده است: ﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾،^۵ ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾.^۶

با بررسی تعاریفی که وهابیان برای «عبادت» ارائه کرده‌اند، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که عبادت نهایت خضوع و تذلل، و نهایت حب و تعلق به کسی است که فعلی به خاطر او انجام می‌شود و به عبارت دیگر، اسم جامعی است که هر فعلی را که محبوب خداوند و مورد رضایت اوست، شامل می‌شود.^۷

۱. ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، العبودیة، ج ۱، ص ۴۴ تا ۴۹؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، الفتاوی الکبری، ج ۵، ص ۱۵۵ تا ۱۵۸؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۱۰، ص ۱۴۹ تا ۱۵۲.
۲. ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، إغائة اللهفان من مصاید الشیطان، ج ۲، ص ۸۵۲.
- برای مطالعه بیشتر، نک: ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، الداء والدواء، ج ۱، ص ۳۰۱ و ۳۰۴؛ ابن قیم جوزیه، محمد بن ابی بکر، مدارج السالکین، ج ۱، ص ۹۹ و ۱۰۶ و ۱۱۱.
۳. «بنابراین در عبادت، تحقق دو عنصر با یکدیگر ضروری است: یکی "نهایت خضوع برای خدا" و دیگری "نهایت محبت به خدا"؛ چنان‌که ابن تیمیه بیان داشته است». (قرضاوی، یوسف، عبادت در اسلام، ج ۱، ص ۲۶).
۴. ابن عبدالوهاب، محمد، الرسالة المفیدة المهمة الجلیلة، ج ۱، ص ۳۹؛ ابن عبدالوهاب، محمد، تعلیم الصبیان التوحید، ج ۱، ص ۲.
۵. سورة نحل، آیه ۳۶.
۶. سورة ذاریات، آیه ۵۶.

۷. ابن عبدالوهاب، محمد، أصول الدین الإسلامی مع قواعد الأربع، ج ۱، ص ۷.

برای مطالعه بیشتر، نک: ابن عبدالوهاب، محمد، ثلاثة الأصول و شروط الصلاة و القواعد الأربع، ج ۱، ص ۱۰؛ بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، بیان التوحید، ج ۱، ص ۱۷؛ بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، دروس للشیخ عبدالعزیز بن باز، ج ۶،

عده‌ای نیز گفته‌اند که عبادت دارای مفهوم عام و خاص است که در مفهوم عامش به معنای انجام دادن اوامر و ترکِ نواهی به قصدِ تذلل و همراه با محبت و تعظیم، و در مفهوم خاصش به معنای اقوال و اعمال ظاهری و باطنی مانند خوف، خشیت، توکل، صلاة، زکات، صیام و سایر مواردی است که مورد رضایت و محبت خداوند باشد.^۱

و هابیان با اعتقاد به اینکه مهم‌ترین رسالت پیامبران علیهم‌السلام تحققِ توحیدِ عبادی در بین انسان‌ها بوده است،^۲ با استفاده از ظاهر بعضی آیات،^۳ به تحلیل وضعیت مشرکانِ صدر اسلام پرداخته‌اند. آنان معتقدند مشرکان قائل به توحید ربوبی بودند، اما چون در عمل به دلیل دعا لغیر الله، و همچنین تعظیم و تکریم اولیا و انبیا در قالب دعا، طلب شفاعت، استغاثه، ذبح و نذر، منکرِ توحیدِ عبودی بودند، مشرک خوانده شده‌اند؛ پس اگر شخصی به ربوبیت (خالقیت، مالکیت، مُدبّریت و...) پروردگار معتقد باشد، ولی در عمل، توحید در عبودیت را انکار کند، مرتکب شرک اکبر شده است؛ چنان‌که محمد بن عبدالوهاب می‌گوید:

پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم جنگید تا دعا، نذر، ذبح، استغاثه و تمام انواع عبادات صرفاً برای خداوند باشد. تو دانستی که اقرار آنها به توحید در ربوبیت، آنان را به اسلام وارد نکرد. خون و مالِ آنان به سبب توسلشان به بت‌ها و شفاعت خواستن از آنها برای نزدیکی به خدا، مباح شد و تو اکنون توحیدی را که پیامبران به آن دعوت کرده‌اند و مشرکان از اقرار به آن خودداری کردند، شناختی.^۴

لذا و هابیان پس از ارائه تعاریف، در تبیین برخی موضوعاتِ عبادت و تعیین مصادیقِ آنها معتقدند که با عنایت به آیه **﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ﴾**،^۵ دعا نوعی عبادت است و هرگونه دعایی که برای

ص ۲؛ ابن عثیمین، محمد بن صالح، شرح ثلاثة الأصول، ج ۱، ص ۱۲۰.

۱. «العبادة لها مفهوم عام، و مفهوم خاص. فالمفهوم العام هي "التذلل لله محبة و تعظيماً بفعل أوامره، و اجتناب نواهيه على الوجه الذي جاءت به شرائعه". و المفهوم الخاص يعني تفصيلها. قال فيه شيخ الإسلام ابن تيمية: هي "اسم جامع لكل ما يحبه الله و يرضاه من الأقوال، و الأعمال الظاهرة و الباطنة كالخوف و الخشية و التوكل و الصلاة و الزكاة و الصيام و غير ذلك من شرائع الإسلام"». (ابن عثیمین، محمد بن صالح، مجموع فتاوی و رسائل العثیمین، ج ۱، ص ۸۸).

۲. ابن عبدالوهاب، محمد، كشف الشبهات، ج ۱، ص ۳.

۳. سورة عنكبوت، آیه ۶۱: **﴿وَلَيْنِ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَ سَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ﴾**؛ سورة مؤمنون، آیه ۸۴: **﴿قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَ مَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ سَيَقُولُونَ لِلَّهِ﴾**.

۴. ابن عبدالوهاب، محمد، كشف الشبهات، ج ۱، ص ۷.

۵. سورة غافر، آیه ۶۰.

غیر خدا باشد، شرک اکبر خواهد بود؛ لذا استغاثه به انبیا و اولیایی که از دنیا رفته‌اند و همچنین استغاثه به جن، ملانکه، نجوم و کواکب، «دعا لغير الله» است و شرک به شمار می‌رود.^۱

از جمله مصادیق دیگری که وهابیان از آنها با عنوان «عبادت» تعبیر می‌کنند، «ذبح لغير الله»، «نذر لغير الله» و موارد دیگری از دعا مانند درخواست کمک و طلب شفاعت از میت، تبرک به قبور همراه با طلب برکت و اعتقاد به معطی بودن آنهاست.^۲

نقطه مشترک تعاریف و مصادیقی که از کتاب‌های وهابیان ذکر شد، اولاً بسیط بودن تعریف عبادت نزد وهابیت است؛ به دلیل اینکه آنها عبادت را فقط عمل جوارحی تعریف می‌کنند و طبق مبنای ظاهرگرایانه‌ای که در حوزه معناشناسی دارند، همان معنای ظاهری لفظ عبادت را به عنوان تعریف اصطلاحی آن اخذ می‌کنند و اعتقاد به الوهیت و ربوبیت را در آن دخیل نمی‌دانند. ثانیاً توسعه مفهوم عبادت و مصادیق آن است؛ به دلیل اینکه وهابیان به تبع ابن تیمیه معتقدند آن عبادتی که به آن امر شده‌ایم، متضمن معنای تذلل و حب است و هر جا که این دو رکن وجود داشته باشد، مفهوم عبادت محقق می‌شود.^۳ بر این اساس، اموری همچون مطلق نذر، ذبح، کمک‌خواستن، استعانت و توسل را به هر صورت و نیتی که انجام شود، عبادت غیر خدا و از مصادیق شرک به شمار می‌آورند؛ لذا این اعتقاد باعث شده است جمعی از مسلمانان به دلیل انجام اعمالی که تحت عنوان عبادت اصطلاحی وهابیان قرار می‌گیرد، از دایره اسلام خارج گردند و مشرک به شرک اکبر خوانده شوند^۴ و خون و مال و ناموس آنان مباح دانسته شود.

موضع اهل سنت در خصوص توحید ربوبی مشرکان صدر اسلام

یکی از اشکالاتی که دانشمندان اهل سنت^۵ بر مبانی توحیدی وهابیت وارد می‌کنند،

۱. بن باز، عبدالعزیز بن عبدالله، مجموع فتاوی بن باز، ج ۴، ص ۴۰۰.

۲. همان، ج ۲، ص ۲۱؛ ابن عبدالوهاب، محمد، ثلاثة الأصول و شروط الصلاة و القواعد الأربع، ج ۱، ص ۱۸۸؛ ابن عبدالوهاب، محمد، عقيدة الفرقة الناجية، ج ۱، ص ۱۲.

۳. ابن عبدالوهاب، محمد، مسائل لخصها الشيخ محمد بن عبد الوهاب من كلام ابن تیمیه، ج ۱، ص ۱۲۰؛ ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، العبودية، ج ۱، ص ۴۸.

۴. ابن عبدالوهاب، محمد، أصول الإيمان، ج ۱، ص ۲۷.

۵. خطابی، حمد بن محمد، الغنية عن الكلام و أهله، ج ۱، ص ۴۶.

همین مبنای آنان در بحث توحید ربوبی و توحید الوهی است که بر تعریف آنها از مفهوم عبادت تأثیرگذار بوده و نتایجی مانند موحد خواندن مشرکان صدر اسلام در توحید ربوبی، و مشرک خواندن برخی مسلمانان عصر خود و همچنین تکفیر آنان در توحید الوهی (عبودی) را به همراه داشته است.

یکی از نقدهای متعددی که دانشمندان اهل سنت برای این مبنای وهابیت بیان کرده‌اند، نقد سعید فوده است. او ذیل آیه «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى»^۱ می‌گوید: «مشرکان به دو امر اعتراف می‌کردند: یکی اینکه غیر خدا را می‌پرستیدند و دیگر اینکه برای غیر خدا، نوعی ربوبیت قائل بودند»^۲. سپس او در تأیید برداشت خود از این آیه، جملاتی را از بزرگان اهل سنت نقل می‌کند که بیانگر مشرک بودن مشرکان مکه در توحید ربوبی است. وی در ادامه، کلام بن‌باز را نقد می‌کند و می‌گوید:

بن‌باز و غیر او، در اعتقاد به اینکه مشرکان صدر اسلام در توحید ربوبی موحد بوده‌اند، دچار خطا شده‌اند. چطور می‌توان مشرکان صدر اسلام را در توحید ربوبی موحد دانست، در حالی که آنان به مُدَبِّرانی غیر از خداوند معتقد بودند؟^۳

مشرکان صدر اسلام به دلیل شرک در توحید ربوبی، گرفتار شرک در عبادت شدند؛ چراکه در حقیقت این دو قسم از توحید، به امر واحدی برمی‌گردند و محال است که بگوییم شخصی در «توحید ربوبی» موحد، ولی در «توحید عبودی» مشرک است.^۴

بنابراین، با استناد به این کلام و کلام دیگر دانشمندان اهل سنت باید به وهابیت گوشزد کرد آن تعریفی که بر این اساس برای مفهوم عبادت پی‌ریزی کرده‌اند، اشکال ریشه‌ای و مبنایی دارد که نه تنها سعید فوده، بلکه بزرگان دیگری مانند حسن سقاف نیز به نقد همین مبنای وهابیت پرداخته‌اند. سقاف معتقد است اگر گفته شود از آیاتی همچون «مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَى» استفاده می‌شود که مشرکان صدر اسلام،

۱. سوره زمر، آیه ۳.

۲. فوده، سعید عبداللطیف، الشرح الكبير على العقيدة الطحاوية، ص ۱۰۸.

۳. برای مطالعه بیشتر، نک: نسفی، عبدالله بن احمد، تفسیر النسفی، ج ۳، ص ۱۶۸ و ۱۶۹؛ طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، ج ۱۸، ص ۶۱۸؛ فخر رازی، محمد بن عمر، تفسیر الفخر الرازی، ج ۲۶، ص ۴۲۲.

۴. فوده، سعید عبداللطیف، الشرح الكبير على العقيدة الطحاوية، ص ۱۱۷.

۵. همان، ص ۱۱۸.

خود را در توحید ربوبی موحد می‌دانستند، باید گفت که آنان در ادعای خود دروغ می‌گفتند و در حقیقت، در توحید ربوبی مشرک بودند و دلیل این امر نیز ادامه آیه است که خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ﴾.^۱ این بخش از آیه، تکذیب ادعایی است که در صدر همین آیه، به نقل از مشرکان بیان شده است. او در ادامه، با استفاده از آیات قرآن،^۲ اشعار مشرکان و سخنان آنان، ادله دیگری را در رد مبنای وهابیت بیان می‌کند.^۳

بنابراین، نمی‌توان با مبنایی که اصل آن محل اشکال است، تعریفی از مفهوم عبادت ارائه داد و بر اساس آن، عده‌ای از مسلمانان را به شرک و کفر متهم نمود؛ بلکه با توجه به اعتقاد برخی بزرگان اهل سنت مانند سعید فوده و حسن سقاف، آنچه باعث ایجاد انگیزه در عبادت معبود می‌شود، اعتقاد به ربوبیت معبود است و نمی‌توان تعظیم و تکریمی را که با اعتقاد به ربوبیت همراه نیست، «عبادت» نامید. همچنین با اندکی تأمل در آیات، می‌توان از قرآن برای اثبات این ادعا دلیل آورد که مشرکان به ربوبیت بت‌ها معتقد بودند؛ مانند آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ﴾.^۴ زیرا همه مسلمانان معتقدند که یکی از شئون ربوبیت خداوند «رازقیت» است، در حالی که طبق این آیه، مشرکان صدر اسلام رزق خود را از غیر خداوند طلب می‌کردند و خداوند متعال نیز با بیان این آیه می‌خواهد به آنها بفهماند که اختیار رزق شما در دست بت‌هایی نیست که می‌پرستید، بلکه باید رزق خود را از خداوند متعال طلب کنید.

در مجموع، می‌توان به گفته احمد زینی دحلان نیز اشاره کرد که می‌گوید: «مشرکانی که درباره آنها آیات شرک نازل شده است، به استحقاق بت‌ها برای پرستش اعتقاد داشتند و بت‌ها را با اعتقاد به الوهیت و رب بودن آنها تکریم می‌کردند».^۵

۱. سوره زمر، آیه ۳.

۲. مانند آیه ۶۰ سوره فرقان: ﴿وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا﴾.

۳. سقاف، حسن بن علی، صحیح شرح العقيدة الطحاوية، ص ۱۰۱.

۴. سوره عنکبوت، آیه ۱۷.

۵. دحلان، احمد زینی، فتنه الوهابية، ج ۱، ص ۵.

تبیین مفهوم عبادت در اندیشه اهل سنت

چنان‌که اشاره شد، معنای اصطلاحی «عبادت» در اندیشه وهابیت، در مبنای معناشناسی آنان ریشه دارد که به دلیل ظاهرگرا بودن، به معنای ظاهری لفظ عبادت تمسک کرده‌اند و مهم‌ترین عنصر عبادت را «خضوع و خشوع» دانسته‌اند که برگرفته از همان معنای لغوی عبادت است. این در حالی است که برخی از دیدگاه‌های اندیشمندان اهل سنت، رکن یا ارکان دیگری را نیز در معنای اصطلاحی عبادت دخیل می‌دانند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. دیدگاه شیخ محمد عبده

او در تفسیر المنار ضمن توضیح آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»^۱ به نقد تعریف وهابیت و ابن تیمیه می‌پردازد و می‌نویسد:

می‌گویند که «عبادت» اطاعت توأم با خضوع است؛ اما این تعریف، خالی از نوعی اجمال و سهل‌انگاری نیست. ما هنگامی که در لغت جست‌وجو می‌کنیم، درمی‌یابیم که هیچ‌یک از الفاظی همچون خَضَعَ، خَنَعَ، أَطَاعَ و ذَلَّ نمی‌توانند با واژه «عبد» مشابهت معنایی ندارند. با این حال، نزد عرب خضوع مزبور «عبادت حقیقی» نامیده نمی‌شود. بسیاری از مردم در تعظیم پادشاهان آن‌قدر در خضوع و خشوع زیاده‌روی می‌کنند که در عبادان زاهد چنین چیزی مشاهده نمی‌کنی؛ اما عرب‌ها این خضوع و اطاعت را عبادت نمی‌خوانند.^۲

سپس وی به این نکته اشاره می‌کند که عبادت نه یک عمل بسیط، بلکه عملی است نشأت‌گیرنده از حضور قلب و اعتقاد به ربوبیت خداوند.^۳ لذاست که باید آیاتی مانند آیه «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدَبِّرُ الْأُمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكَمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ»^۴ را مطابق با همین تعریف دانست که عبادت را آمیزه‌ای از پذیرش خالقیت و ربوبیت می‌داند. این بدان دلیل است که وقتی این آیه می‌خواهد به معرفی «رب» بپردازد، به یکی از شئون ربوبی خداوند یعنی خالقیت اشاره می‌کند و از کیفیت خلقت آسمان‌ها و زمین به دست پروردگار سخن می‌گوید.

۱. سوره حمد، آیه ۵.

۲. رشید رضا، محمد، تفسیر المنار، ج ۱، ص ۴۷.

۳. همان، ص ۴۸.

۴. سوره یونس، آیه ۳.

بنابراین، مفهوم «عبادت» معنایی مرگب از «اعتقاد به ربوبیت» و «انجام افعال جوارحی» دارد و اینکه بخواهیم همچون وهابیان، عبادت را بر هر خضوع و خشوعی منطبق کنیم، اشکالاتی مانند سجده بر حضرت آدم علیه السلام و سجده بر حضرت یوسف علیه السلام را که در قرآن آمده‌اند، به همراه خواهد داشت.

۲. سلیمان بن عبدالوهاب

او با برشمردن ملاک‌های شرک، انحراف وهابیت در حوزه توحید را اثبات، و مشرک شمردن مسلمانان را به شدت نکوهش می‌کند. وی معتقد است که مفهوم «عبادت» ترکیبی از فعل و اعتقاد به یگانگی معبود است و در ادامه می‌گوید:

درست است که شرک گناهی است که خداوند نمی‌بخشد و درباره آن بسیار هشدار داده است، اما شرک در جایی است که شخص به وجود شریکی برای خداوند اعتقاد داشته باشد؛ چنان‌که مشرکان می‌گفتند: «هؤلاء شركائنا». اما مطالبی را که شما (محمد بن عبدالوهاب و پیروانش) از خودتان مطرح کرده و تفصیلی را که بیان کرده‌اید مبنی بر اینکه اگر کسی فلان کار را انجام داد مشرک، و از اسلام خارج می‌شود، از کجا آورده‌اید؟!^۱

سپس وی در فصول مختلف کتاب خود به انواع شرک می‌پردازد و عدم جواز مشرک خواندن و کافر دانستن اهل قبله و مسلمانان را اثبات می‌کند. وی به مسائلی مانند زیارت قبور، نذر و ذبح اشاره می‌کند و این امور را از مصادیق شرک اکبر و خروج از اسلام نمی‌شمارد.

۳. ابوالاعلی مودودی

او که از دانشمندان مکتب دیوبندیه به شمار می‌رود، با تکیه بر کاربرد لغوی ماده «ع ب د» به مرگب بودن مفهوم عبادت اشاره می‌کند و در تحلیل آن معتقد است که مفهوم اصلی عبادت، اعتراف انسان به چیرگی کسی بر او، چشم‌پوشی وی از حریت و استقلال خویش، خودداری او از هرگونه مقاومت و سرپیچی از طرف مقابل، و تسلیم بودن در برابر اوست.

مودودی در ادامه می‌گوید که اگر بنده‌ای، به تسلیم از روی فرمانبرداری و فروتنی در

برابر مولای خویش اکتفا نکند و به برتری و عظمت او نیز عقیده داشته باشد، همچنین قلبش مالا مال از احساس، تشکر و سپاس از نعمت‌ها و امدادهای او بوده و در تمجید و تعظیم و تشکر و به جا آوردن آداب بندگی، برای او مبالغه نماید، همه اینها باهم پرستش و بندگی نامیده می‌شود.^۱

بنابراین، همان طور که مودودی به درستی بیان کرده است، حقیقت «عبادت» ترکیبی از خضوع کامل و عبودیت جوارحی، به همراه عبودیت قلب است. به گفته ایشان، این برداشت بر معانی بندگی منطبق نمی‌شود، مگر هنگامی که سر بنده در برابر اربابش خاضع بوده و قلب او نیز خضوع داشته باشد.^۲

۴. محمد بن عبدالله مسعری

یکی از مسائلی را که مسعری به تفصیل نقد می‌کند، مسئله مفهوم عبادت است. وی معتقد است عبادت اصطلاحی، غیر از عبادت لغوی است و می‌گوید: «اینکه افعالی را بدون در نظر گرفتن اعتقاد عبادت بنامیم، خطای بزرگی است. چنان‌که عرف نیز تصدیق می‌کند، عبادت عبارت است از افعال و اقوال همراه با اعتقاد به الوهیت».^۳ وی در ادامه می‌گوید: «لذا هیچ قول و فعلی مانند رکوع، سجود، قیام، قعود و ذبح را نمی‌توان عبادت اصطلاحی نامید، مگر اینکه همراه با اعتقاد به الوهیت باشد».^۴

او معتقد است اگر کسی عبادت لغوی را ملاک تکفیر قرار دهد، سبب می‌شود بسیاری از اهل قبله مشرک، و خارج از اسلام تلقی شوند که این کار، گناه بزرگی است که نمی‌توان به صرف یک اجتهاد، چنین ادعایی کرد.^۵

۵. عیسی بن عبدالله حمیری

او که یکی دیگر از علما و اندیشمندان مالکی مذهب اهل سنت است، در فصلی از کتاب خود، به معنای عبادت می‌پردازد و در تعریف «عبادت شرعی» می‌گوید:

۱. مودودی، ابوالاعلی، المصطلحات الأربعة في القرآن، ج ۱، ص ۶۱.

۲. «و هذا التصور لا ينضم إلى معاني العبدية إلا إذا كان العبد لا يخضع لسيدة رأسه فحسب، بل يخضع معه قلبه أيضاً». (همان).

۳. مسعری، محمد بن عبدالله، التوحيد، باب التوحيد التقديس و العبادة، ج ۴، ص ۸.

۴. همان، ج ۱۳، ص ۱.

۵. همان، ج ۱۷، ص ۲.

«عبادتِ شرعی به جا آوردنِ نهایتِ خضوعِ قلبی و قالبی است». سپس وی به توضیح دو قید «قلباً» و «قالباً» می پردازد و می گوید:

«خضوعِ قلبی» به معنای اعتقاد به ربوبیت یا اعتقاد به خصوصیتی از خصایص، مانند استقلال در نفع و ضرر و مشیت، نسبت به معبود است و «خضوعِ قالبی» به معنای به جا آوردنِ انواع خضوع‌های ظاهری مانند قیام، رکوع و سجود است.^۱

او در ادامه بر اعتقاد قلبی تکیه می کند و می گوید: «حتماً باید خضوعِ ظاهری همراه با اعتقاد به ربوبیت انجام شود و چنانچه شخصی قیام، رکوع یا سجده را بدون اعتقاد به ربوبیت به جا آورد، عبادتِ شرعی به شمار نمی رود». ^۲ سپس وی به عنوان تأییدِ کلامِ خود، به سجده ملائکه بر حضرت آدم علیه السلام و همچنین داستان حضرت یعقوب علیه السلام و همسر و فرزندانِش اشاره می کند که طبق گزارش ابن کثیر چگونه در مقابلِ حضرت یوسف علیه السلام به سجده افتادند. ^۳ پس از نقل این جریان، حمیری به این نکته اشاره می کند که این نوع از سجده، عبادتِ شرعی محسوب نمی شود، بلکه فقط تعظیم و تکریمِ سجده شونده است؛ لذا هر تعظیمی عبادتِ شرعی به شمار نمی رود.

یکی از مؤیدهایی که می توان برای مرکب بودنِ مفهومِ عبادت بیان کرد، توضیح و تفسیر برخی از آیات مانند سجده ملائکه بر حضرت آدم علیه السلام و سجده حضرت یعقوب علیه السلام و بردارانِ ایشان بر حضرت یوسف علیه السلام است که اگر به بسط بودنِ مفهومِ عبادت اعتقاد داشته باشیم و با تعریف و هابیت بخواهیم پیش برویم، با مشکل مواجه می شویم. به دلیل اینکه داستان اول مستلزم امر خداوند به شرک، و داستان دوم مستلزم آلوده شدنِ حضرت یعقوب علیه السلام و بردارانش به شرک است.

نکته قابل توجه این است که فقط با نگاه ترکیبی به مفهومِ عبادت می توان به توضیح و تفسیر این آیات پرداخت. شاه ولی الله دهلوی می گوید: «چون سجده، تحیت و سلام

۱. حمیری، عیسی بن عبدالله، تصحیح المفاهیم العقیدة فی الصفات الإلهیة، ص ۳۳۷.

۲. همان.

۳. «و خروا له سجدا» قال ابن کثیر فی تفسیرها: «أی سجد له أبواه و إخوته و كانوا أحد عشر رجلاً». (ابن کثیر، اسماعیل بن عمر، تفسیر القرآن العظیم، ج ۲، ص ۵۹۷).

۴. سورة اعراف، آیه ۷: «فَلَمَّا لَمَلَأْنَا لِئَمَّا يَكُونُ لَادَمَ فَمَسْجُدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ»؛ سورة يوسف، آیه ۱۰۰: ﴿وَ رَفَعَ أَبُو يَهُي عَلَى الْعَرْشِ وَ خَرُّوا لَهُ سَجْدًا﴾.

ملائکه برای آدم علیه السلام و سجده برادران یوسف علیه السلام بر ایشان، ثابت است و سجده بالاترین صورت تعظیم است، لازم می‌آید که با نیت و اعتقاد از یکدیگر متمایز گردند.^۱ همچنین ابن تیمیه می‌گوید: «سجده ملائکه عبادت و طاعت خداوند و تکریم و تعظیم در حق حضرت آدم علیه السلام بود».^۲ طبری نیز ذیل فقره «وَ حَرُّوا لَهُ سُجْدًا» جملاتی را از بعضی مفسران نقل می‌کند مبنی بر اینکه آنان بر تحیت بودن و تشریفاتی بودن این سجده تصریح دارند؛^۳ همان طور که بیضاوی^۴ و آلوسی^۵ نیز در توضیح این آیات معتقدند که این نوع سجده، سجده تکریم و تحیت است، نه سجده عبادت. به عبارت دیگر، آنان می‌خواهند بگویند که هر سجده و خضوع و خشوعی «عبادت» به شمار نمی‌رود. بنابراین، جا دارد گفته شود که اگر مراد از مفهوم عبادت صرف خضوع و خشوع است، پس باید در این آیات بگوییم که حضرت یوسف علیه السلام مورد پرستش و عبادت قرار گرفته و خداوند سجده‌کنندگان را به فعلی مشرکانه امر کرده است؛ در حالی که هیچ مسلمانی به چنین چیزی قائل نیست.

نتیجه

در تطبیق مفهوم «عبادت» از دیدگاه وهابیت و اهل سنت، می‌توان به این جمع‌بندی رسید که یکی از اشکالات وهابیان در مسئله مفهوم عبادت، اشکال مبنایی آنان درباره موحد دانستن مشرکان صدر اسلام در توحید ربوبی و مشرک دانستن آنان در توحید عبادی است. به اعتقاد دانشمندان اهل سنت، نه تنها «توحید در عبادت» بر «توحید در ربوبیت» مترتب است و شرک در عبادت، بیانگر شرک شخص در ربوبیت است، بلکه اساساً این مبنا با بسیاری از آیات و گزارش‌های تاریخی ناسازگار، بلکه

۱. دهلوی، شاه ولی الله، حجة الله البالغة، باب في حقيقة الشرك، ج ۱، ص ۱۱۷.

۲. «فسجد الملائكة لآدم عبادة لله و طاعة له و قرابة يتقربون بها إليه و هو لآدم تشریف و تکریم و تعظیم. و سجد إخوة يوسف له تحية و سلام ألا تری أن یوسف لو سجد لأبویه تحية لم یکره له». (ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم، مجموع الفتاوی، ج ۴، ص ۳۶۰).

۳. طبری، محمد بن جریر، تفسیر الطبری، ج ۱۶، ص ۲۷۰.

۴. «(وَ رَفَعَ أَبْوْهُ عَلَى الْعَرْشِ وَ حَرُّوا لَهُ سُجْدًا) تحية و تکرمة له فان السجود كان عندهم یجری مجراها». (بیضاوی، عبدالله بن عمر، أنوار التنزیل و أسرار التأویل، ج ۳، ص ۱۷۷).

۵. «و الحق أن السجود بأي معنی كان وقع من الأبوين و الأخوة جميعا و القلب یمیل إلى أنه كان انحناء كتتحية الأعاجم و كثير من الناس اليوم». (آلوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی، ج ۷، ص ۵۷).

مخالفِ صریحِ قرآن است. اشکالِ دیگری که بزرگانِ اهل سنت مطرح کرده‌اند، به تعریفِ وهابیت از مفهومِ عبادت باز می‌گردد؛ به‌دلیلِ اینکه آنان عبادت را مطابق با معنای لغوی آن، یعنی مساوی با هرگونه خضوع و خشوع تعریف می‌کنند و با این تعریف، باعث توسعه در مفهوم عبادت، و به‌دنبالِ آن، نسبت‌دادنِ شرک و کفر به جامعهٔ مسلمانان شده‌اند. این در حالی است که دانشمندانِ اهل سنت تعریفِ اصطلاحیِ عبادت را چیزی غیر از معنای لغویِ آن می‌دانند و در تعریفِ عبادت، علاوه بر خضوع و خشوع، اعتقاد به ربوبیت و الوهیتِ معبود را نیز شرط می‌دانند. در حقیقت، آنان معتقدند که مفهوم عبادت مرگب از دو بخش است: عقیده (اعتقاد به ربوبیت) همراه با عمل (خضوع، خشوع و تذلل).



کتابنامه

1. قرآن کریم.
2. ابن عبد الوهاب، سليمان، الصواعق الإلهية في الرد على الوهابية، بيروت، دار ذوالفقار، چاپ اول، 1998م.
3. ابن عبد الوهاب، محمد، أصول الإيمان، تحقيق: باسم فيصل جوايره، عربستان، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، 1420ق.
4. ابن عبد الوهاب، محمد، أصول الدين الإسلامي مع قواعده الأربع، مکه، دار الحديث الخيرية، 1410ق.
5. ابن عبد الوهاب، محمد، الرسالة المفيدة المهمة الجليلة، تحقيق: محمد بن عبدالعزيز المناع، عربستان، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء والدعوة والإرشاد، بی تا.
6. ابن عبد الوهاب، محمد، تعليم الصبيان التوحيد، ابو ظبی، دار الحرمين، 1427ق.
7. ابن عبد الوهاب، محمد، ثلاثة الأصول و شروط الصلاة و القواعد الأربع، عربستان، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، 1421ق.
8. ابن عبد الوهاب، محمد، عقيدة الفرقة الناجية، بيروت، المكتب الإسلامي، 1397ق.
9. ابن عبد الوهاب، محمد، كشف الشبهات، عربستان، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف والدعوة والإرشاد، چاپ اول، 1418ق.
10. ابن عبد الوهاب، محمد، مسائل لخصها الشيخ محمد بن عبد الوهاب من كلام ابن تيمية، رياض، جامعة الإمام محمد بن سعود، 1396ق.
11. ابن تيمية، احمد بن عبد الحليم، الفتاوى الكبرى، تحقيق: محمد عبدالقادر عطا و مصطفى عبدالقادر عطا، بيروت، دار الكتب العلمية، 1408ق.
12. ابن تيمية، احمد بن عبد الحليم، مجموع الفتاوى، تحقيق: عبدالرحمن بن محمد بن قاسم، مدينه، مجمع الملك فهد، 1416ق.
13. ابن تيمية، احمد بن عبد الحليم، العبودية، بيروت، المكتب الإسلامي چاپ هفتم، 1426ق.
14. ابن عثيمين، محمد بن صالح، شرح ثلاثة الأصول، رياض، دار الثريا، 1424ق.
15. ابن عثيمين، محمد بن صالح، مجموع فتاوى و رسائل العثيمين، رياض، دار الوطن، 1413ق.
16. ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر، إغاثة اللفهان من مصايد الشيطان، تحقيق: محمد عزيز شمس، مکه: دار عالم الفوائد، 1432ق.
17. ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر، الداء و الدواء، تحقيق: محمد اجمل اصلاحي، جده،

مجمع الفقه الإسلامي، ١٤٢٩ق.

١٨. ابن قيم جوزيه، محمد بن ابى بكر، مدارج السالكين؛ بين منازل إياك نعبد وإياك نستعين، تحقيق: محمد المعتمد بالله بغدادى، بيروت، دار الكتاب العربي، ١٤١٦ق.
١٩. ابن منظور، محمد بن مكرم، لسان العرب، تحقيق: جمال الدين ميردامادى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ق.
٢٠. آلوسى، محمود بن عبدالله، روح المعاني؛ في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني، تحقيق: على عبدالبارى عطيه، بيروت، دار الكتب العلمية، چاپ اول، ١٤١٥ق.
٢١. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، بيان التوحيد، عربستان، وزارة الشؤون الإسلامية والأوقاف و الدعوة والإرشاد، ١٤٢٢ق.
٢٢. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، دروس للشيخ عبد العزيز بن باز، سايت الشبكة الإسلامية، أدرس: <http://www.islamweb.net>
٢٣. بن باز، عبدالعزيز بن عبدالله، مجموع فتاوى بن باز، رياض، رئاسة إدارة البحوث العلمية والإفتاء و الدعوة والإرشاد، چاپ اول، ١٤١٧ق.
٢٤. بياضوى، عبدالله بن عمر، أنوار التنزيل و أسرار التأويل، تحقيق: محمد عبدالرحمن مرعشى، بيروت، دار إحياء التراث العربي، چاپ اول، ١٤١٨ق.
٢٥. حميرى، عيسى بن عبدالله، تصحيح المفاهيم العقيدية في الصفات الإلهية، قاهره، دار الإسلام، چاپ دوم، ١٤٢٠ق.
٢٦. خطابى، حمد بن محمد، الغنية عن الكلام و أهله، قاهره، دار المنهاج، ١٤٢٥ق.
٢٧. دحلان، احمد زينى، فتنة الوهابية، استانبول، وقف الإخلاص، ١٣٧٥ق.
٢٨. دهلوى، شاه ولى الله، حجة الله البالغة، بيروت، دار الجيل، چاپ اول، ١٣٨١ش.
٢٩. راغب اصفهانى، حسين بن محمد، مفردات ألفاظ القرآن، بيروت-دمشق، دار القلم، ١٤١٢ق.
٣٠. رشيد رضا، محمد، تفسير المنار، قاهره، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ١٩٩٠م.
٣١. زبيدى، محمد بن محمد، تاج العروس من جواهر القاموس، تحقيق: على هلالى و على سيرى، بيروت، دار الفكر، ١٤١٤ق.
٣٢. سقاف، حسن بن على، صحيح شرح العقيدة الطحاوية، بيروت، دار الإمام الرواس، ١٤٢٨ق.
٣٣. طبرى، محمد بن جرير، تفسير الطبرى؛ المسمى جامع البيان في تأويل القرآن، تحقيق: احمد محمد شاکر، بی جا، مؤسسة الرسالة، ١٤٢٠ق.
٣٤. فخر رازى، محمد بن عمر، تفسير الفخر الرازى؛ المشتهر بالتفسير الكبير و مفاتيح الغيب، بيروت، دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٠ق.

٣٥. فوده، سعيد عبداللطيف، الشرح الكبير على العقيدة الطحاوية، بيروت، دار الذخائر، ١٤٣٥ق.
٣٦. قرضاوى، يوسف، عبادت در اسلام، ترجمه: محمد ستارى خرقانى، سايت كتابخانه عقيدته،
آدرس: www.aqeedeh.com
٣٧. مَسْعَرى، محمد بن عبدالله، التوحيد؛ أصل الإسلام و حقيقة التوحيد، لندن،
التجديد الإسلامى، ٢٠٠٤م.
٣٨. مودودى، ابوالاعلى، المصطلحات الأربعة في القرآن، كويت، دار القلم، ١٣٩١ق.
٣٩. نسفى، عبدالله بن احمد، تفسير النسفى؛ مدارك التنزيل و حقائق التأويل، تحقيق: يوسف
على بديوى، بيروت، دار الكلم الطيب، ١٤١٩ق.

